

به نام پروردگاریت

کلان روایتها در تاریخ نگاری ایران دوره قاجار
(۱۲۱۰-۱۲۶۴ هـ.ق)

دکتر محمدمیر احمدزاده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار

(۱۲۱۰-۱۲۶۴ ه.ق.)

مؤلف: دکتر محمدامیر احمدزاده

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار صوری: سیاوش صفری

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۶۶۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: احمدزاده، محمدامیر، ۱۳۵۹-

عنوان و نام پدیدآور: کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار (۱۲۶۴-۱۲۱۰ ه.ق.) / محمدامیر احمدزاده.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.

شابک: 978-622-7689-14-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۸۱ - ۳۰۰.

موضوع: تاریخ‌نویسی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ ق.

موضوع: Historiography -- Iran -- History -- 19th century

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: DSR۱۳۱۳

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۳۳۵۳۹

وضعیت رکورد: فیبا

فهرست مطالب

۹	مقدمه
	فصل اول: بازتاب مسئله هویت و تبار قاجارها در روایت مورخان ایرانی
۱۹	مقدمه
۲۲	۱. چهارچوب نظری بحث
۲۸	۲. مسئله تبار و هویت قاجارها در آثار مورخان صدر قاجاریه
۳۱	۲.۱. روایت ساروی از هویت قومی قاجارها
۳۲	۲.۲. هویت قومی قاجارها در نگاه دنبلی
۳۳	۲.۳. روایت محمدصادق مروزی از تبار قاجارها
۳۶	۲.۴. رویکرد خاوری به نسب و کنش های ایل قاجار
۳۸	۲.۵. روایت های هویتی اعتضاد السلطنه در اکسیرالتواریخ
۴۱	۲.۶. روایت محمدحسین اورجانی بدایع نگار از هویت قاجارها
۴۴	۲.۷. محمود میرزا قاجار و بازنمایی هویت قاجارها در آثار او
۴۷	۳. هویت ایران محور در روایت های مورخان
۵۲	۴. الگوی هویت سیاسی در روایت پردازی مورخان قاجار
۵۷	۴.۱. بازنمایی هویت جغرافیایی با طرح مرزهای سیاسی جدید در منابع تاریخ نگاری
۶۴	۴.۲. مؤلفه های هویت اجتماعی در تحلیل متون تاریخ نگارانه
۶۴	۴.۲.۱. نسب نامه نویسی و هویت ایلی قاجارها به مثابه طرح هویت اجتماعی آنان
۶۷	۴.۲.۲. عناصر هویت فرهنگی - دینی در متون تاریخ نگاری

۴ کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار

۷۳. نشانه‌های «تغییر هویت ایرانی» در منابع تاریخ‌نگاری ۷۳
۱.۵ طرح مفاهیم جدید به منظور تکوین تدریجی هویت نوین فرهنگی - اجتماعی ۷۳
۷۸. ۲.۵ طرح «دیگری هویتی» در روایت مورخان از فرنگستان ۷۸
۳.۵ تشکیل ارتش دائمی راهبردی جدید برای تغییر کارکرد و هویت نظامی ایران ۷۹
۸۳. ۶. جمع‌بندی ۸۳

فصل دوم: مسئله مشروعیت و برجستگی آن در اندیشه مورخان

۸۵. ۱. مبانی نظری «مشروعیت» ۸۵
۱.۱ منابع اقتدار ۸۶
۲.۱ انواع اقتدار ۸۶
۳.۱ انواع مشروعیت ۸۷
۸۸. ۲. مبانی مشروعیت در حکومت قاجاریه ۸۸
۱.۲ مبانی «استیلایی» حق مشروعیت در حکومت‌های قبایلی ۸۹
۲.۲ مبانی «دینی» برای مشروعیت حکومت ۹۲
۳.۲ «میراث کهن ایرانی» و مسئله مشروعیت ۹۷
۴.۲ «رعیت پروری» و مسئله مشروعیت ۱۰۰
- ۵.۲ غلبه مشروعیت مبتنی بر «اصالت نسبی و خاندانی» قاجارها در متون تاریخ‌نگاری ۱۰۰
۱۰۴. ۳. گونه‌های مشروعیت در متون تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه ۱۰۴
۱۰۵. ۴. بازتاب مسئله مشروعیت در تواریخ صدر قاجاریه ۱۰۵
- ۱.۴ مشروعیت قاجارها در رویکرد رستم‌الحکما؛ از تأیید تا انتقاد از حکومت ۱۰۶
۲.۴ ساروی و اندیشه سیاسی یک‌جانبه؛ تأکید بر حقانیت تام پادشاهی ۱۱۶
۳.۴ خاوری شیرازی و نگرش نقادانه و مقایسه‌ای به مسئله سیاست و حکومت ۱۲۳
۴.۴ عبدالرزاق دنبلی؛ اندیشه سیاسی و طرح راهکار در مناسبات سلطان - رعایا ۱۲۸
۵.۴ رویکرد میرزا محمدصادق مروزی به اندیشه سیاسی ۱۳۵

فهرست ۵

- ۱۳۷ ۶. محمدحسین بدایع‌نگار اورجانی و التزام به نگارش تاریخ فتحعلی‌شاه
۱۳۹ ۷. اندیشه سیاسی اعتضادالسلطنه و روایت عصر محمدشاه
۱۴۱ ۸. جهانگیر میرزا و روایت الگوی سیاست در تاریخ نو
۱۴۲ ۵. جمع‌بندی

فصل سوم: مسئله جنگ در روایت مورخان دوره اول قاجاریه

- ۱۴۸ مقدمه
۱۵۰ ۱. رویکردهای اصلی به مسئله جنگ
۱۵۰ ۱.۱ تلقی دینی از جنگ
۱۵۲ ۲.۱ رویکرد واقع‌گرا به جنگ
۱۵۴ ۲. بازتاب مسئله جنگ در تاریخ‌نگاری‌های صدر قاجاریه
۱۵۸ ۳. محورهای تاریخ‌نگاری جنگ
۱۵۸ ۱.۳ ترغیب حس میهن‌پرستی و وطن‌دوستی
۱۵۹ ۲.۳ گرایش به سمبلیسم و نمادگرایی تاریخی
۱۵۹ ۳.۳ ارجاع و استناد به متون دینی و مذهبی
۱۶۰ ۴.۳ طرح اهداف عالی انسانی در متون تاریخ‌نگاری
۱۶۲ ۴. بازتاب تبیین فاجعه و یادکرد جنگ در آثار مورخان
۱۶۲ ۱.۴ عبدالرزاق دنبلی؛ اصلی‌ترین راوی رخدادهای جنگ
۲.۴ روایت مروزی در آهنگ سروش (یادداشت‌هایی درباره جنگ‌های ایران و روس)
۱۶۷
۱۶۹ ۳.۴ جنگ و سرحدات ایران در روایت خاوری
۱۷۱ ۵. تفکیک هویتی بنابه تمایزات فرهنگی و قومی در متون تاریخ‌نگاری عصر جنگ
۱۷۱ ۱.۵ خاطره جمعی و سرنوشت مشترک در عصر جنگ
۱۷۲ ۲.۵ کاربست القاب و عناوین ایرانی برای پادشاه قاجار
۱۸۲ ۳.۵ آگاه کردن مخاطب از سیاست‌های استعماری و ضرورت تقابل با آن
۱۸۳ ۶. انعکاس حوزه‌های موضوعی جدید در روایت مورخان دوره اول قاجاریه

۶ کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار

- ۱۸۷ ۱. مسئله جنگ و رشد علت‌شناسی تباهی ایران در روایت مورخان
- ۱۸۸ ۲.۶ روایت از ایران با هر قومیت و مذهبی
- ۱۸۹ ۷. مورخان و بررسی علل شکوه و سعادت ایران باستانی در جبهه‌های جنگ
- ۱۸۹ ۱.۷ بدگویی از مهاجمان خارجی
- ۱۹۰ ۲.۷ بازتولید نشانه‌های فرهنگی ایران باستانی در متون تاریخی و ادبی
- ۱۹۰ ۳.۷ همانندسازی شخصیت‌ها و حوادث
- ۱۹۱ ۴.۷ افتخار به ایران پس از اسلام در روایت مورخان
- ۱۹۱ ۸. قهرمان‌گرایی و ترسیم الگوهای ترکیبی در روایت مورخان
- ۱۹۵ ۹. انعکاس تاریخ‌نگاری جنگ‌ها در روایت مورخان قاجار
- ۱۹۵ ۱.۹ روایت شکست قشون ایران و واکنش اجتماعی به آن
- ۱۹۹ ۲.۹ انعقاد متارکه جنگ گلستان و قرارداد ترکمانچای
- ۲۰۱ ۱۰. جمع‌بندی

فصل چهارم: بازنمایی مسئله فرنگ و فرنگی در منابع تاریخ‌نگاری

- ۲۰۴ مقدمه
- ۲۰۴ ۱. مناسبات خارجی ایران در نیمه اول قرن سیزدهم قمری
- ۲۰۵ ۱.۱ مناسبات ایران و انگلیس
- ۲۰۹ ۲.۱ روسیه تزاری و مسئله سیاست خارجی ایران
- ۲۱۱ ۳.۱ نقش فرانسه در سیاست خارجی دوره قاجار
- ۲۱۲ ۴.۱ مناسبات ایران و عثمانی در نیمه اول قرن سیزدهم قمری
- ۲۱۴ ۲. سیاست خارجی شاه‌محمود در دوره قاجار
- ۲۱۷ ۳. بررسی مسائل اصلی روابط خارجی ایران در عصر مواجهه
- ۲۳۵ ۴. بازنمایی سیاست خارجی ایران در منظر مورخان صدر قاجاریه
- ۲۳۵ ۱.۴ دنبلی و رویکرد او به مسئله روابط خارجی
- ۲۴۱ ۱.۱.۴ علوم و فنون جدید از نگاه عبدالرزاق دنبلی
- ۲۴۳ ۲.۱.۴ اروپاییان از نگاه عبدالرزاق دنبلی

فهرست ۷

۲۴۶	۲.۴ رویکرد وقایع‌نگار مروزی به مسئله مناسبات خارجی
۲۴۸	۳.۴ روایت رستم‌التواریخ از سیاست خارجی
۲۵۰	۴.۴ روایت خاوری شیرازی از مسئله فرنگ
۲۵۵	۵.۴ دنیای بیرونی و سیاست خارجی در نگاه خاوری شیرازی
۲۵۹	۶.۴ روایت اعتضادالسلطنه از مناسبات خارجی با غرب قرن نوزدهم
۲۶۲	۷.۴ جهانگیر میرزا و بی‌اعتنایی به جهان غرب
۲۶۴	۵. جمع‌بندی
۲۷۵	نتیجه‌گیری
۲۸۱	منابع و مأخذ

مقدمه

متون تاریخ‌نگاری یکی از میراث‌های فرهنگی هر جامعه‌ای‌اند که می‌توان بازنتاب مسائل عصرشان را در روایت‌پردازی آنان یافت. اینکه مسائل کلان و اساسی مطرح‌شده در متون تاریخ‌نگاری دوره قاجاریه کدام‌اند و چه جایگاهی در رویکرد و روایت‌پردازی مورخان نیمه اول دوره قاجاریه داشته‌اند مسئله نوشتار پیش‌روست. رویکرد تحقیق مبتنی بر تحلیل تاریخی و بازنمایی و تفسیر روایت‌هایی است که به صورت‌بندی جدیدی از روایت مورخان درباره مسائل دوره قاجار کمک می‌کند. آنچه به عنوان دستاورد کلی بحث می‌توان آورد این است که حکومت قاجار همچون هر حکومت نوآسیسی در ابتدای عمر خود با بحران هویت و مشروعیت مواجه بوده است؛ در نتیجه حجم عظیمی از مباحث و روایات مورخان رسمی به این دو مسئله متمرکز شده است. گفتمان هویت به مثابه مسئله عصر تأسیس در تواریخ دوره اول قاجاریه گرچه رنگ‌وبوی «ایلی - قومی» دارد، به تدریج به سمت هویت سرزمینی ایران باستان و هویت اسلامی با طرح ممیزات خاص هر کدام پیش‌رفته است. علت توجه مورخان به مسئله هویت را می‌توان در اتصال آن به مسئله مشروعیت از یک سو و از سوی دیگر، رویارویی نابرابر با فرنگ مدرنی دانست که متفاوت با اعصار گذشته به تأثیرگذاری یک‌جانبه در جامعه شرق روی آورد. مسئله دیگری که در متون تاریخ‌نگاری رسمی قاجاری انعکاس چشم‌گیری دارد «گفتمان جنگ» است که مورخان با رویکردی عینی و واقع‌گرایانه به

مسئله جنگ‌های مدرنی که ایران در برابر روسیه تزاری با آن مواجه شد پرداخته‌اند. مسئله چهارم قابل طرح در متون تاریخ‌نگاری قاجاریه را مناسبات خارجی، قرائت و خوانش از «دیگری قدرتمند فرهنگی» و اهمیت مسائل دنیای پیرامونی تشکیل می‌دهد. این رویکرد به تدریج ایران را از الگوی روابط خارجی به سوی اتخاذ یک سیاست خارجی و تشکیل نهادهای مدرن سیاست‌گذار در عرصه مناسبات خارجی به پیش می‌برد و در رویکرد مورخان قاجار با گذر زمان درک نسبتاً روشن‌تری از فرنگ مترقی و رویه‌های تمدنی - استعماری آن بازتاب یافته است.

تاریخ‌نگاری نیمه اول قرن سیزدهم قمری در ایران عمدتاً متأثر از الگوپردازی نوشتارهای تاریخی از فضای سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی جامعه ایران تحت تسلط قدرت قاجاریه بود. این موضوع در گونه‌شناسی الگوهای تاریخ‌نگاری ایرانی اعم از تاریخ‌های محلی و تاریخ‌های سلسله‌ای، که اغلب معطوف به طرح ارزش‌های قبایلی - ایلی به عنوان الگوی غالب در فرهنگ سیاسی و مناسبات اجتماعی هویت تاریخی است، بازتاب یافته است. اغلب مورخان نیمه اول حکومت قاجاریه، ضمن آگاهی از تحولات دنیای بیرونی و رشد دانش جدید، از تحصیلات سنتی برای نگارش تاریخ برخوردار بودند که این امر موجب شد تاریخ‌نگاری را به مثابه فعل و عملی دیوانی پیگیری کنند تا به عنوان یک دانش و حوزه معرفتی. طبعاً این دیوان‌سالاران ایرانی ضمن علاقه‌مندی به میراث ارجمند فکری - فرهنگی و سیاسی ایران بر آن بودند که تاریخ حکومت قاجارها و ظهور رهبران نظامی - سیاسی آن را در تسلسل و تداوم تاریخی با ادوار کهن و باستانی ایران و سلطنت‌های قدیم ترسیم کنند و بدین ترتیب از ذهنیت تاریخی - اجتماعی خود به عنوان بخشی از جامعه ایران برای تبیین جایگاه و اهمیت پادشاهی جدیدالتأسیس و اتصال الگوی حکمرانی رهبران جدید به پادشاهان ایرانی قدیم بهره بگیرند. بنابراین،

همه اقدامات منشیان و دبیران و اهل دیوان سالاری ایرانی در مقام مورخ و ادیب عبارت است از تأثیرپذیری ناآگاهانه یا آگاهانه از رسالت منشیانه خود برای ثبت تاریخ معاصر زمانه در چهارچوبی اندیشیده. مورخان قاجار هم به خاطر الگوبرداری از سنت تاریخ‌نویسی ماسبق خود یعنی مکتب استرآبادی و هم با توجه به سپری کردن عمر و حرفه در مکتوب‌نویسی منشیانه و ملفوفه‌نویسی دبیران عمدتاً از موضع ادیب و منشی به سنت‌های سیاسی و تاریخی می‌پرداختند که نتیجه آن تولید متون نسبتاً منشیانه با درجه‌هایی از تفاوت در سطح بود. مورخان رسمی قدرت سیاسی قاجار به مانند اغلب هم‌سلکان خود در ادوار پیشین به ثبت تاریخ براساس ارزش‌های فرهنگی و قومی مسلط در زمانه با نظریه کارکردهای تاریخی ثبت وقایع مشغول بودند.

بنابراین، متون تاریخ‌نگاری بخشی از اندیشه سیاسی ادوار گوناگون تاریخ ایران را در بر گرفته‌اند و بخشی از اندیشه سیاسی هر دوره را باید در لفافه متون تاریخ‌نگاری آن جست‌وجو کرد. اهمیت طرح بحث و پرداختن به چنین موضوعاتی از این‌روست که تاریخ‌نگاری در دوره قاجار از حیث کمی و کیفی متحول و دگرگون شد؛ اولین نشانه‌های تغییر در نشر و سبک نگارش تجلی پیدا کرد، سپس به تدریج دامنه تحول به محتوا و نگرش تاریخ‌نگاران کشیده شد. افق و حیطه تاریخ‌نگاری هم از محدوده جغرافیا و فرهنگ ایران زمین و سرزمین‌های همجوار فراتر رفت و به قلمرو تاریخ جهان بسط یافت. تنوع و تکثر بی‌سابقه‌ای در نوشته‌های تاریخی و مورخان صورت گرفت و نگارش و مطالعه تاریخ از محدوده انحصاری دیوان‌سالاران ادیب خارج گردید و برخی نویسندگان از این حد هم فراتر رفتند. محتوای مطالب تاریخی را از وصف سرگذشت شاهان و جنگ‌ها به مباحث اجتماعی و اقتصادی گسترش دادند و به نقادی تاریخ‌نگاری سنتی پرداختند. در ادامه، اسلوب و فن تاریخ‌نگاری علمی جدید را پایه‌گذاری کردند و بردرک و فهم فلسفی از تاریخ تأکید

ورزیدند. مسئله تحقیق حاضر بر این مبنا استوار است که بکاود کلان‌روایت‌های موجود در تاریخ‌نگاری دوره اول حکومت قاجاریه کدام‌اند و چه نسبتی با وضعیت سیاسی و فرهنگی جامعه داشته‌اند؟

با تأسیس حکومت قاجار جغرافیای تاریخی ایران، پس از دوره‌هایی از تلاطم ناشی از فقدان حکومت متمرکز، مجدداً از چهارچوب جغرافیایی و ثبات نسبی در قلمرو سرزمینی برخوردار شد و عصر حیات حکومت‌های محلی و منطقه‌ای با شکل‌گیری نظام سیاسی و متمرکز قاجاریه در ایران پایان یافت. تشکیل حکومت متمرکز به بازآفرینی جریان و سنت‌های سیاسی - فرهنگی ایران از جمله توسعه مکتب بازگشت ادبی، توسعه فرهنگی و رشد ساختارهای اداری - سیاسی کمک کرد. به تدریج شاهد آن هستیم که حکومت قاجاریه با توسعه الگوی نظام سیاسی پادشاهی بر مبنای میراث و سنت‌های ایرانی پا گرفت و تحقق چنین مسئله‌ای بر اثر مشارکت فعال اثرگذار صاحبان قلم و دیوان سالاران ایرانی از جمله حاج ابراهیم خان کلانتر و خاندان قائم‌مقام صورت واقعی به خود گرفت. گرچه این ساختار قدرت سیاسی جدید بر مبنای انتساب به ایل قاجار شکل گرفت، مقدمات و زمینه‌های رشد دیوان و دیوانیان ایرانی را بر اثر تغییر در محتوای ساختار سیاسی و نیز متأثر از تحولات بیرونی عصر مدرن به پیش برد.

در عرصه تاریخ‌نگاری نیز، مؤلفه‌هایی که باعث تغییرات تدریجی در محتوای متون دوره قاجاریه شد عبارت‌اند از ۱. تغییر و تحول تدریجی در بسترهای اجتماعی - فرهنگی ایران دوره قاجار، به گونه‌ای که ایران از جامعه‌ای دینی و سنتی که تداوم اندیشه‌ها و علایق عصر صفویه را در خود داشت به سوی جامعه‌ای در حال گذار و تحول پیش رفت. هر چند زمینه‌های وقوع این تحول امری درونی و برآیند سیر طبیعی تغییرات درون‌زا در ایران نبود، تداوم این روند سبب شد تاریخ‌نگاری از الگوی اندیشه تقدیرگرایانه، هزاره‌گرایی و

سده‌گرایی به سمت تاریخ‌نگاری عینی و واقع‌گرایانه پیش برود. اگرچه برخی قالب‌های کلان‌روایت موجود در منابع تاریخ‌نگاری از جمله پارادایم مسلط سیاست‌نگاری در منابع تاریخ‌نگاری تغییری در رویکرد و محتوای خود نداد، موضوعات سیاسی و مسائل اهل قدرت و سیاست به مثابه واحد مطالعه و مسئله در تاریخ با نگرش‌های دیگری نیز مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت. ۲. توسعه تاریخ‌نویسی محلی و سلسله‌ای در راستای ثبت مسائل و موضوعات جدید قرن سیزدهم قمری و رشد خودآگاهی مورخان از ماهیت تحولات دنیای بیرونی. ۳. طرح موضوعات جدید بر مبنای الگوپذیری از سنت‌های نوشتاری موجود در تاریخ‌های نو. ۴. گرایش به ساده‌نویسی در متن بر مبنای تحولات صنعت چاپ و بسط مخاطبان. در حقیقت، این تغییرات در بسترهای اجتماعی و جغرافیای فرهنگی بازتاب خود را در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار داشته است و این امر خود متأثر از تغییرات کلان در عرصه‌های ساختار سیاسی و زندگی فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران بود.

این پژوهش بر اساس روش تحلیل تاریخی و نیز تفسیر متون تاریخ‌نگاری صدر قاجاریه صورت گرفته است؛ بدین منظور، ابتدا وقایع و رخدادها را بررسی می‌کند و در مرحله بالاتر با روش تحلیلی به ارزیابی مباحث و مسائل مورد توجه مورخان این برهه می‌پردازد و سپس بر اساس روش تحلیل محتوا، کشف و بررسی کلان‌روایت‌ها و مسائل مدنظر مورخان دوره قاجار مورد توجه قرار می‌گیرد.

تاکنون درباره مسئله پژوهش حاضر تحقیقی انجام نشده است. اما مهم‌ترین تحقیقی که درباره تاریخ‌نگاری دوره قاجار منتشر شده کتاب *تداوم و تحول در تاریخ‌نویسی دوره قاجار* از عباس قدیمی قیداری است که به بررسی تاریخ‌نویسی قاجار از تأسیس تا سقوط آن پرداخته است. مهم‌ترین تفاوت‌های روش کار این تحقیق با کار آقای قدیمی قیداری تفاوت روش‌شناختی و تفاوت در حوزه و قلمرو موضوعی مباحثی است که به آن پرداخته شده است. دکتر

قدیمی با بررسی از تاریخ ایران به برهه زمانی از ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ قمری پرداخته است. لازمه نگارش کاری با این گستردگی این بوده که عمدتاً با نگاهی پیرامونی درباره تاریخ‌نویسی‌ها سخن بگوید و در حقیقت «درباره»ی تاریخ‌نگاری‌ها سخن گفته تا «از» محتوای این متون. در اثر دکتر قدیمی سعی شده اجرایی از مباحث ارزشمند مطرح شود که در کار این‌جانب استفاده شده است. لازم به ذکر است، در منبع‌شناسی پژوهش نیز از مباحث دکتر قدیمی استفاده شده است، اما به اصل منبع نیز مراجعه کرده‌ام. از سوی دیگر، روش در این پژوهش با تأکید بر استخراج کلان‌روایت‌ها و طرح مسائل اصلی در تاریخ‌نگاری قاجار از تاسیس تا پایان حکومت محمدشاه است که این الگوی مطرح‌شده در پیشینه فوق‌الذکر نیست.

غلامحسین زرگری‌نژاد در چندین مقاله و نیز در کتاب *عصر آقامحمدخان* به مسائل مهم تاریخ‌نگاری و حوادث تاریخی دوره قاجار به خوبی پرداخته است. اهمیت آثار ایشان در قدرت تحلیل عمیق، شناسایی دقیق منابع خطی و چاپی و ارزیابی و نقد منابع در کنار تخصص و سال‌ها تحقیق درباره دوره قاجار است. تفاوت این کار با تحقیقات دکتر زرگری‌نژاد در این است که تحقیقات ایشان حول محور متغیر تاریخ سیاسی می‌چرخد، حال آنکه متغیر کار بنده تمرکز بر مباحث تاریخ‌نگاری و کلان‌روایت‌های مطرح‌شده در آن است.

در *چیستان قاجار*، تألیف محسن خلیلی استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی، مؤلف علی‌رغم رویکرد برون‌دانشی به دانش تاریخ با مراجعه به منابع دست‌اول تاریخ‌نگاری قاجار به خوانش روایت‌های هویتی از آنان پرداخته است. اما مسئله او صرفاً هویت بوده و در بررسی منابع دوره اول قاجار به تنها چهار منبع را بررسی کرده است.

مقالات متعددی هم در آثار و نوشته‌های ناصر تکمیل همایون وجود دارد که بررسی موردی برخی مورخان تا بررسی تاریخ‌نگاری‌های قاجار به در پرتو

تاریخ ایران قرن سیزدهم قمری را در بر می‌گیرد؛ دو مجموعه تألیفی ایشان به نام‌های *خاستگاه تاریخی ایل قاجار* و *ره آغاز فرمانروایی هر کدام مبتنی بر منابع دست‌اول و با شناخت دقیق از تاریخ این دوره به رشته تحریر درآمده‌اند*. تحقیقات دیگری هم در زمینه تاریخ‌نگاری قاجاریه در داخل و خارج از ایران نوشته شده است که حائز اهمیت هستند و مورد استفاده قرار گرفته‌اند، اما بررسی آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

متون تاریخ‌نگاری ایران از حیث پایگاه اجتماعی مورخ، موضع‌گیری‌ها، روش‌های گزینش و ثبت رخدادها در ذیل منابع تاریخ رسمی و دولتی قرار می‌گیرند. این امر باعث طرح ویژگی‌ها و نواقصی در متون یادشده می‌شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر بیست منبع دست‌اول تاریخ‌نگاری قاجاریه از عصر تأسیس تا پایان دوره محمدشاه انجام شده است. این منابع عبارت‌اند از:

رستم‌التواریخ، محمدهاشم آصف رستم‌الحکما، تصحیح محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.

تاریخ ذوالقرنین، میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی، به کوشش ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۸۰.

مآثر سلطانیه، عبدالرزاق دنبلی، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۳.

تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)، ملامحمد فتح‌الله بن محمدتقی ساروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.

تاریخ طلوع قاجاریه، امام‌قلی میرزا قاجار، نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۱۰۹۱۴.

گلستان ارم (تاریخ قفقاز)، عباسقلی آقا باکی خانوف، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱.
تاریخ فتح‌علی شاه قاجار، محمدحسین اورجانی (بدایع‌نگار)، نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز، شماره ۴۲۵۹.

۱۶ کلان‌روایت‌ها در تاریخ‌نگاری ایران دوره قاجار

- تاریخ نو، جهانگیر میرزا قاجار، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه علمی، ۱۳۸۴.
- تجربة الاحرار وتسلیة الابرار، عبدالرزاق مفتون دنبلی، تصحیح حسن قاضی طباطبایی، ۱۳۴۲.
- تاریخ صافی، میرزایوسف قراباغی، به کوشش حسین احمدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۰.
- اخبارنامه (تاریخ خانات تالش در زمان جنگ‌های روسیه علیه ایران)، میرزااحمد لنکرانی، به کوشش علی عبدلی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰.
- تذکره نگارستان دارا، عبدالرزاق دنبلی، به کوشش عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: بی‌تا.
- اشرف‌التواریخ، محمدتقی نوری، تصحیح سوسن اصیلی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۶.
- تاریخ عضدی، سلطان احمد میرزا عضدالدوله، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۶.
- تاریخ جهان‌آرا، میرزامحمدصادق مروزی، تهران: نسخه خطی کتابخانه ملی، شماره ۲۲۵۹.
- تاریخ صاحبقرانی، محمود میرزا قاجار، تصحیح نادره جلالی، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۸۹.
- ملوک‌الکلام، فتحعلی شاه قاجار، تحریر میرزامحمدتقی علی‌آبادی مازندرانی، تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق، گنجینه بهارستان (مجموعه ۹ رساله در تاریخ دوره قاجار)، تهران: کتابخانه مجلس، ۱۳۸۷.
- سفینه‌المحمود، محمود میرزا قاجار، به کوشش عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.

زینت‌التواریخ، میرزارضی تبریزی، نسخه خطی کتابخانه مجلس. او به تمام اسناد، فرمان‌ها و گزارش‌های دولتی ۱۲ سال اول حکومت فتحعلی‌شاه دسترسی داشته و براساس آن تاریخ نوشته است. آهنگ سروش (تاریخ جنگ‌های ایران و روس از آغاز تا ترکمانچای)، میرزا محمد صادق مروزی، تصحیح امیر هوشنگ آذر، تهران: مؤلف، ۱۳۶۹.

از حیث موضوعی، تلاش بر آن بوده تا با رویکرد مورخان یادشده به مسائل اصلی تاریخ ایران در نیمه اول قرن سیزدهم قمری تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی شود و کلان‌روایت‌های موجود در ذهن مورخان و متن تاریخ‌نگاری کنکاش و استخراج شود.

در پایان این بخش، ضمن سپاس و قدردانی از داوران داخلی دکتر علی سالاری شادی و دکتر عبدالرحمن حسنی فرو همچنین دکتر صفورا برومند و دکتر الهام ملک‌زاده و همچنین داوران خارجی دکتر ذکرااله محمدی و دکتر حسن زندیه که هر کدام با نگاه نقادانه خود در پیشبرد اهداف این پژوهش مؤثر بوده‌اند، از جناب آقای دکتر پگاه مصلح که نظارت بر این پژوهش را برعهده داشتند ممنونم. از داوران محترم شورای انتشارات که با ارائه نقد خود به تقویت محتوای اثر حاضر کمک کردند قدردانی می‌کنم. همچنین از شورای محترم انتشارات و مدیر نشر و ویرایش پژوهشگاه، دکتر یدالله رفیعی، در بازبینی و آماده‌سازی کار برای چاپ سپاس گزارم.

محمد امیر احمدزاده

بهار ۱۴۰۰

فصل اول

بازتاب مسئله هویت و تبار قاجارها در روایت مورخان ایرانی

یکی از کلان‌روایت‌هایی که در متون تاریخ‌نگاری قاجاریه تبلور پیدا کرده مسئله هویت و ریشه‌های ایلی، تاریخی، سیاسی و افسانه‌ای ایل قاجار است. تقریباً اغلب مورخان دوره قاجار به مسئله هویت و تبارشناسی قاجارها علاقه‌مند بودند و یا به عنوان «دستوری از بالا» به آن می‌پرداختند. این مسئله وقتی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند که به عنوان زمینه‌ای برای طرح مسئله مشروعیت قاجارها نیز مورد استفاده مورخان قرار گرفته است. بنابه این اهمیت، ابتدا به بررسی بازتاب هویت در متون تاریخ‌نگاری و سپس در فصل بعد به بررسی مشروعیت قاجارها و بازتاب آن در تاریخ‌نگاری‌های صدر قاجاریه می‌پردازیم.

مقدمه

هویت سازه‌ای اجتماعی است که براساس روند تحولات اجتماعی - سیاسی شکل می‌گیرد و دچار تطور می‌شود. در ایران نیمه اول قرن سیزدهم قمری، وجه غالب هویتی ایران را پاره‌های خُرده‌زبانی، اجتماعی، و فرهنگی شکل می‌دادند. روایت‌پردازی از مسئله هویت موضوعی مهم در منابع تاریخ‌نگاری به‌ویژه متون صدر قاجاریه است که علت این امر در می‌توان در وقوع وضعیتی تاریخی ویژه کنکاش کرد. چالش‌های ایران در دوره قاجار، از جمله چالش

هویتی در مواجهه با «دیگری قدرتمند»، مورد توجه مورخان قرار گرفته است. تلقی از ایران به مثابه وطن و طرح تعبیر بیولوژیکی از آن همچون «پیکر مادرانه وطن» و استفاده از تعبیر «خواهران و برادران وطنی» برای ایرانی‌ها در قالب یک پیامد جدید در گفتمان سیاسی ایران رخ داد.^۱ این پدیده زمینه‌های تدریجی زایش روح و شخصیت ایرانی، غیرت و تعصب وطنی را فراهم کرد. در آثار مورخان پیش از اخذ مفاهیم هویتی جدید از منابع معرفتی اروپا، شاهد آن هستیم که وطن بار معنایی چندگانه و چندلایه و جلوه‌های مکانی پیدا کرد. وطن به عنوان مکانی شامل خانه و زادگاه در متون تاریخ محلی ایران نیمه اول قرن سیزدهم قمری پُررنگ شد. برخی از متفکران دینی همچون ملااحمد نراقی از مفهوم وطن به معنای «خانه» استنباط کردند.^۲ متون دینی از وطن‌گزیدن و قصد توطن و مفاهیمی از این دست برای طرح وظایف و واجباتی مانند نماز و روزه سخن آورده‌اند و در متون فقهی هم در خصوص انتخاب وطن از امکان انتخاب دو وطن برای یک شخص به طور همزمان سخن آمده است.^۳

جنگ‌های ایران و روسیه تزاری گرچه با کشتار ایرانی‌ها و ازدست دادن هفده شهر قفقاز همچون داغ‌ننگ (به تعبیر گاتمن) در حافظه تاریخی ایرانی‌ها باقی مانده، از حیث پیکربندی وطن و طرح مفهوم جدید وطن در تلقی مورخان و ادیبان از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، معاهداتی که محتوای آنان به ضرر ایران بود از جمله معاهده گلستان (شوال ۱۲۲۸)، ترکمانچای (شعبان ۱۲۴۳)، پاریس (۱۲۷۳ق) در کنار معاهداتی همچون ارزنه‌الروم اول (۱۲۳۸ق) و دوم (جمادی‌الثانی ۱۲۶۳) هر کدام به نحوی ایران را از قالب ممالک محروسه به سوی تعریف مرزهای سیاسی جدید و تبدیل شدن

۱. توکلی طرقي، محمد (۱۳۸۲). *تجدد بومی و بازنديشی تاريخ*. تهران: نشر تاريخ ايران. صص ۹۱-۹۴.

۲. نراقی، ملااحمد (۱۳۷۷). *معراج السعاده*، به کوشش محمد نقدی. قم: هجرت. ص ۲۲.

۳. توکلی طرقي، محمد. همان. ص ۶۷.

به واحد مدرن کشور در معادلات بین‌المللی پیش برد. این پیکره‌سازی از ساختار سرزمینی ایران به مشخص شدن بدنه مرزی کشور و نیز بازسازی شخصیت تاریخی و فرهنگی ایران کمک کرد. جنگ و بحران جهانی در دهه‌های اول قرن سیزدهم قمری پادشاهان قاجار را بر آن داشت تا به تمرکز و بهسازی قوای حکومتی، نوسازی ارتش و نظمی، یادگیری و آموزش جدید گرایش یابند. در فراز و فرود مواجهه ایران با نظم جدید می‌توان روند تبدیل «ممالک محروسه ایران» به «کشور ایران» را در متون تاریخ‌نگاری دید.

با این حال از حیث اجتماعی، هویت به عنوان یک مسئله در قرن سیزدهم قمری و در طول آشنایی ایرانی‌ها با وضعیت جدید و تمدن فرنگ پدیدار شد. بخشی از این پدیدارهای هویتی در استمرار سنت‌های گذشته بر مسئله هویت‌های قومی، زبانی، ایلی و تباری و یا هویت دینی-مذهبی استوار بود و بخش دیگری از هویت، که عمدتاً سنخ جدیدی از هویت را شکل می‌داد، بر عنصر ایرانی هویت تأکید می‌ورزید.^۱ این سنخ جدید از هویت اغلب به احیای گذشته باستانی ایران و ذکر مفاخر و شکوه تاریخ قدیم متمرکز بود و در مقایسه با «دیگری قدرتمند فرنگی» شکل گرفت. گرچه در صدر قاجاریه غالب روایت‌های «مورخانه-ادیبانه» برپارادایم سنتی هویت متمرکز است، شاهد ورود و رشد رگه‌های جدیدی از هویت و انعکاس آن در متون تاریخ‌نگاری هستیم. هویت به مثابه امری اجتماعی و دستاورد صورت‌بندی جامعه از مؤلفه‌های قومی، زبانی و مذهبی برخوردار بود. جامعه ایران در ابتدای عهد قاجاریه اغلب تقسیم‌بندی‌های ایلی-تباری داشت که براساس تعلق فرد به ایل و زبانی خاص از امنیت اجتماعی کم‌وبیش برخوردار می‌شد.^۲ تکثرو

۱. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). *چالش‌های عصر مدرن در ایران عهد قاجار*. تهران: روزنامه ایران. ص ۳۴-۳۹.

۲. میرسنده‌سی، محمد (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی تاریخی امنیت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۸۶-۸۹.

فراوانی جابه‌جایی‌های جمعیتی در عصر میان‌پرده (از سقوط صفویه تا تأسیس قاجاریه) سبب شد جامعه ایران ابتدای قاجار از ترکیبی متکثر و پرتنوع جمعیتی، زبانی و فرهنگی تشکیل شده بود و این امر مسئله ناامنی را تشدید کرده بود. جرج کرزن، سفیر انگلیس که در ایران به مطالعات میدانی درباره گروه‌های اجتماعی می‌پرداخت، در اثر خود گونه‌های اجتماعی و تنوع بافت جمعیتی ایران را روایت کرده است. بنابه روایت او، ساکنان ایران را، برحسب میزان جمعیت، گروه‌های فارس و ترک‌زبانان و عرب‌ها و غیرمسلمانان تشکیل داده‌اند.^۱

۱. چهارچوب نظری بحث

تاریخ‌نگاری به مثابه آینه‌دار انعکاس‌دهنده هویت است، زیرا مبتنی بر تشخیص / تمایز همزمان و همزاد میان خود و دیگری است. گوناگونی، غیریت و هویت به عنوان مفاهیم ملازم هم از خصایص ناهمانند اجتماعی - سیاسی برخوردارند و در روایت‌پردازی و روایت‌سازی مورخان به اشکال گوناگون ذکر شده‌اند. مورخان در روایت‌پردازی گذشته تاریخی به برجسته‌سازی روایتی از واقعیت تاریخی می‌پردازند که در راستای فروترنمایاندن یک پدیده و فرائر نشان دادن پدیده‌ای دیگر صورت‌بندی می‌شوند. مورخ در مقام راوی هویت‌ساز قرار دارد، زیرا از ابتدا به تفکیک ورده‌بندی رویکردها مشغول است. بخشی از هویت تاریخی بازتاب یافته در روایات تاریخی از زبان مورخان مطرح شده است و بر ابعاد مختلفی از آن اشاره می‌شود؛ از جمله جنبه قدسی حکومت، ماهیت شیعه‌گرایانه زمامداری، پیوستاری دودمان‌های پادشاهی در ایران، ساختار اسطوره‌ای قدرت سیاسی، عرفان‌گرایی اشراقی و شهودی و مطلقیت دانایی در

۱. کرزن، جرج (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی. ج ۲، ص ۵۸۹

امور کشورداری مورد اشاره مورخان دوره‌های مختلف از جمله تاریخ‌نگاران قاجار قرار گرفته است. مورخان برای تأمین مشروعیت سلاطین و به مثابه رسانه‌ای مهم در ثبت و نشر عظمت خاندان شاهی کوشیده‌اند تا به ذکر خصایص پادشاه افسانه‌ای، مصلح و ناجی، خسرو دادگر، نیرومندترین انسان نگه‌دارنده هویت ایرانی در برابر هویت‌های نقیض و مقابل به طرح پاره‌هایی برساخته از هویت اقدام کنند.

رسالت مورخ در نگارش سفارشی تواریخ عبارت بود از بازنمایی افتخارآمیز قدمت و دیرینگی، بازسازی قدرتمندانه میراث‌های تاریخی و افتخارات پیشین، زدودن افتدار و افتخار و پیروزی‌های گذشته، بازسازی اندیشه و ساختار پادشاهی به عنوان یک افتخار جامع و تاریخی، بازتولیدکننده هویت و بازآفرینی قدرت و شکوه گذشته سرزمینی، تاریخی و قهرمانی ایران زمین به عنوان الگوی حیات فرهنگی - سیاسی آن. این روایت‌پردازی‌های مورخانه عمدتاً کارکرد هویتی داشته‌اند و به بازسازی دریافت انسان‌های هر زمانه‌ای درباره گذشته و مناسبات انسانی حیات اجتماعی گذشتگان پرداخته‌اند. مورخان قاجار عمدتاً با توجه به اینکه بر سنت تاریخ‌نگاری زمانمند و کرونولوژیک اقبال نشان داده‌اند، عملاً بنیاد تاریخ‌نگاری خود را بر ذکر سالانه حوادث استوار کردند و رسماً پیرو روش و سبک استرآبادی بودند.^۱

در منابع تاریخ‌نگاری این دوره، ترکیب داستان و تاریخ در تعامل با هم قرار می‌گیرند و روایتی نسبتاً مشابه برای طرح روایت‌های داستانی با هدف ثبت و بازتاب تواریخ گذشته و انعکاس حوادث عصر و زمانه خود در چهارچوب روایت‌های داستانی و تاریخی دارند. این مسئله باعث فهم مفاهیم و معانی و

۱. زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۰). «خاوری شیرازی و تثبیت مکتب تاریخ‌نویسی استرآبادی تاریخ». ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال دوم، شماره یکم.

کشف معانی مستتر در متن در قالب استفاده از الگوهای ادبی و جامعه‌شناختی تحلیل متون امکان پذیر است و بررسی متون در چهارچوب یک رویکرد کاملاً تاریخی به رخدادها و حوادث نمی‌تواند مخاطب را به شناخت عمیق لایه‌های پنهان موجود در متن برساند. طرح و بررسی متون تاریخ‌نگاری در چهارچوب مقوله‌های معنایی، مفهومی و تئوریک می‌تواند در صورت‌بندی جدید و کشف بیشتر معرفت تاریخی از درون متون نوشتاری موثر باشد. یکی از این مسائل برساخته‌زمانه تاریخی اخیر مسئله و مفهوم هویت است که خوانش متون تاریخ‌نگارانه در چهارچوب این مسئله معانی خاصی را در درون متن نوشتار تاریخی بازسازی می‌کند. با اتخاذ و کاربست چنین مفاهیم و رویکردهایی در بازنگری و خوانش متون روایات مورخانه، امکان به سخن‌واداشتن واژگان و جملات از متن وجود دارد. مورخان دوره قاجار در بین سال‌های ۱۲۱۰ تا ۱۲۶۴ قمری در طرح مباحث هویتی خود طبیعتاً از قالب‌های هویت سنتی اثر پذیرفته بودند؛ در نتیجه، دورویکرد هویت ایلی و هویت مبتنی بر کارکرد دیوان‌سالارانه قاجارها در ادوار مختلف در روایت خود از اجزای ساختار اجتماعی قدرت را مطرح کردند. اما به تدریج و بر اثر بازتاب تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دنیای جدید در رویکرد و ذهنیت برخی از آنان، علاوه بر طرح ویژگی‌های ایلی و اختصاصات دیوانی به مثابه الگوهای هویتی پیشین، به تدریج نوعی دگرگونی نسبی در قالب مفاهیم جدید شکل گرفت. اگرچه این متون تاریخ‌نگاری اغلب در راستای تاریخ‌نگاری سنتی و رسمی قلمداد می‌شوند و عمده مباحث آن شرح احوال پادشاهان و دربار است، رگه‌هایی از رویکرد خودمداری از طریق زوال گمانه «امت برگزیده» در آنان نیز روایت شده است، مورخان در روایت دنیای جدید از پیروزی و توفیقات آنان در زبان رمزوراز سخن آورده‌اند و به شکلی تلویحی اصراری نهفته به

مطرح کردن شکست پادشاه قاجار و ضرورت کسب برخی علوم و صنایع برای مقابله با آنان براساس قدرت و منطق آنان داشته‌اند.^۱

یک بُعد از روایت مورخان دوره قاجار از مسئله هویت مبتنی بر طرح دوگانه «خود - دیگری» است که در پرتو تحولات عصر جدید و ضربه‌های وارد شده به جغرافیای سرزمینی و هویت جغرافیایی ایران به شکلی جدید صورت بندی شد و طرح اقتباس از دنیای بیرونی را در پی داشت. در این بازنگری جدید از هویت، نوعی ادراک فرد ایرانی از خویشتن و نواقص خود در مواجهه با وضع جدید شکل گرفت که این حس روان‌شناختی در عرصه اجتماعی با تشخیص و تمایز او در پیوند با دنیای جدید بیرونی همراه شد. «درون‌مایه و مؤلفه هویت اول، شناسایی ناظر بر واقعیتی است که وجود دارد و موجودیت خود را اعلام می‌کند و دوم، بازشناسی پدیده تاریخی است که در فضای جدید نیازمند تعبیر و تعریف نوینی است.»^۲ هویت به عنوان محصول تعامل اجتماعی در پیوند با دیگر عناصر اجتماعی معنا می‌یابد، تغییر می‌کند و شکل می‌گیرد و در پروسه‌ای تاریخی نیز دچار تحول معنایی در خود می‌شود. در منابع تاریخ‌نگاری این دوره، ترکیبی از هویت‌ها همچون هویت اجتماعی، ترکیب هویت خونی و هویت سرزمینی و هویت قومی، هویت معیشتی مطرح شده است که هر کدام بر مؤلفه‌های خاصی از تمایزات اجتماعی و فردی متمرکز شده‌اند. در هویت قومی از مفاهیم همچون نژاد، تبار، قوم، دین، زبان، طبقه و جنسیت به عنوان مؤلفه‌های هویتی نام برده شده است. حال آنکه در هویت فرهنگی مطرح شده در منابع تاریخ‌نگاری عمدتاً بر مفاهیم دینی و اساطیر دینی و ایدئولوژیک توجه شده

۱. خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین؛ نامه خاقان. تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی. ج ۱. ص ۳۸۶؛ دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). مآثر سلطانی، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد. تهران: روزنامه ایران. ص ۳۹۳.

۲. خلیلی، محسن (۱۳۹۰). چیستان قاجار. مشهد: مرنديز. ص ۲۷.